آثار ارزشمند خرید کالای داخلی

نتایج زیانبار مصرف جنس خارجی

یکی از راه‌های درک اهمیت و حساسیت هر چیزی؛ نگاه به آثار و پیامدهای آن است. در منابع دینی هم مفاهیمی مانند دوراندیشی، تدبیر و آینده‌نگری با فراوانی غیرقابل احصا مطرح شده‌اند. حضرت علی(علیه‌السلام) می‌فرمایند: «عاقل‌ترین مردم کسی است که بیشتر در عاقبت کارهایش بیندیشد». (شرح غررالحکم، ج ۲، ص ۴۸۴).

نیز فرموده‌اند: «مؤمنان، کسانی هستند که آینده خویش را می‌شناسند» (بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۲۵).

طبق دو روایت نورانی فوق سنجش خروجی و بازده کنش‌ها و رفتارهای انسانی از نشانه و مصادیق عقل و ایمان هستند و هر آنچه که از حساسیت، گستره و عمق اثرگذاری بیشتر برخوردار باشد، ارزیابی و دقت در آثار آن دارای اهمیت بیشتری خواهد بود.

به‌طور کلی آینده‌نگری و تدبیر، لازمه مدیریت انسان در امور فردی و اجتماعی است و بدون آن در زندگی کامیاب و موفق نخواهد شد.

حمایت از کالای داخلی به لحاظ اهمیت استراتژیک آن در حوزه‌های مختلف (اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و امنیتی) زندگی فردی و اجتماعی همگان، جزو مباحثی است که بایستگی به توان توانمندسازی کشور درهمان حوزه‌ها بوسیله مدیران کشور و عموم مردم دارد. وظیفه اصلی مدیریت کشور فرهنگ‌سازی عمومی و اقدامات عملی زیادی است که باید در جای خود به تفصیل بیان شوند. وظیفه مردم هم مصرف تولیداتی است که توسط ایرانی تولید شده است.

نتایج حمایت از کالاهای داخلی

آثار حمایت از کالاهای داخلی را به‌طور کلی در چند مورد می‌توان خلاصه کرد. این موارد شامل پیامدهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی می‌شوند:

مقاوم‌سازی اقتصاد از نگاه رهبر معظم انقلاب: «خرید جنس داخلی یک ضرورت برای مقاوم‌سازی اقتصاد است و بر روی همه چیز این کشور تأثیر می‌گذارد. باید به این توجّه کرد؛ این نقش همه مردم است».

حفظ استقلال و ارتقای جایگاه کشور در نردبان قدرت نظام بین‌الملل؛ قدرت سیاسی یک کشور بواسطه قدرت تولیدی باعث ارائه چهره مثبت سیاسی در عرصه‌های جهانی و افزایش اعتبارات جهانی خواهد شد.ایشان فرمودند: «تا یک کشور، اقتصاد خود را قوی نکند، پایدار نکند، متکی به خود نکند، مستقل نکند، نمی‌تواند از لحاظ سیاسی و فرهنگی و غیره تأثیرگذار باشد».

کاهش وابستگی ارزی به کشورهای بیگانه و تقویت پول ملی و اتکای به آن در معاملات و مبادلات اقتصادی؛ در اقتصاد عمومی رایج است که قدرت هر ارز در برابر ارزهای جهان عمدتاً تابعی از تعادل تراز پرداختی آن است. بنابراین، با فرض عملکرد صادراتی معین، مدیریت تقاضای واردات اهمیت زیادی در کنترل‌تراز تجاری دارد. لذا مصرف کالاهای محلی به تثبیت ارزش پول محلی کمک می‌کند. این امر، ایجاد ذخایر ارز خارجی را برای حمایت از موقعیت تراز پرداخت کشور تسهیل می‌کند.

ایجاد اشتغال؛ مصرف کالاهای تولید محلی، با توجه به پیوند اقتصادی بین تولیدکننده و مصرف‌کننده، تقاضا برای منابع نیروی کار محلی را ایجاد می‌کند و به همین دلیل به مبارزه با بیکاری کمک می‌کند. رهبر انقلاب بیان داشته‌اند: «شما وقتی کالای داخلی را مصرف می‌کنید، به کارگر ایرانی دارید کمک می‌کنید، اشتغال ایجاد می‌کنید، رشد و نمو ایجاد می‌کنید». و «مصرف داخلی، تولید داخلی را افزایش می‌دهد؛ تولید داخلی که افزایش پیدا کرد... بیکاری برطرف می‌شود. تولید که رونق بگیرد... اشتغال افزایش پیدا می‌کند».

حفظ مشاغل موجود در بخش‌های تولیدی و گسترش و ایجاد مشاغل جدید به واسطه فراهم شدن تقاضای جدید برای محصولات موجود و خدمات جدید و در نتیجه کاهش نرخ بیکاری خروجی حمایت از کالای داخلی است.

شکوفایی ظرفیت‌ها و عوامل تولید؛ رشد و شکوفایی عوامل تولید از جمله نیروی انسانی متخصص، منابع طبیعی و مواد اولیه، سرمایه اولیه، دانش فنی و تکنولوژی و... و به تبع آن افزایش کیفیت و کمیت تولید با استمرار آن و کشف و اجرای راه‌حل‌های بهتر در تولید در گرو حمایت از کالای داخلی است. ایشان معتقد هستند که «شما وقتی کالای داخلی را مصرف می‌کنید... رشد و نمو ایجاد می‌کنید».

کاهش نرخ بیکاری و پیامدهای منفی آن؛ ایشان دغدغه‌شان را در این مورد هم بیان داشته‌اند: «ما می‌خواهیم فرزند خودمان، جوان خودمان و کارگر خودمان را وادار کنیم به کار؛ می‌خواهیم او را سرگرم اشتغال کنیم، می‌خواهیم او را از مضرّات بیکاری نجات بدهیم. بیکاری خیلی مضرّات دارد؛ مضرّات اجتماعی دارد، مضرّات امنیّتی دارد، مضرّات اخلاقی دارد».

از دیگر نتایج آن جلوگیری از فرار مغزها به سایر کشورها به‌واسطه فراهم شدن امکان به‌کارگیری تخصص‌ها در بخش‌های مختلف تولیدی کشور است.

غلبه بر چالش‌های دشمنان

رهبر معظم انقلاب در تحلیل موضوع از منظر امنیتی هم فرموده‌اند: «اگر ملت ایران با همت خود، با عزم خود، با آگاهی و هوشمندی خود، با همراهی و کمک مسئولان، با برنامه‌ریزیِ درست بتواند مشکل تولید داخلی را حل کند و در این میدان پیش برود، بدون تردید بر چالش‌هایی که دشمن آن را فراهم کرده است، غلبه کامل و جدی پیدا خواهد کرد».

و استدلال کرده‌اند: «اگر ما توانستیم تولید داخلی را رونق ببخشیم، مسئله تورم حل خواهد شد؛ مسئله اشتغال حل خواهد شد؛ اقتصاد داخلی به معنای حقیقی کلمه استحکام پیدا خواهد کرد. اینجاست که دشمن با مشاهده این وضعیت، مأیوس و ناامید خواهد شد. وقتی دشمن مأیوس شد، تلاش دشمن، توطئه دشمن، کید دشمن هم تمام خواهد شد».

برخی دیگر از آثار حمایت از کالای داخلی:

تقویت بورس اوراق بهادار به‌واسطه افزایش قدرت تولیدی و مالی شرکت‌ها.

کاهش صادرات مواد خام و بسترسازی ایجاد و افزایش ارزش افزوده بر روی مواد خام در کشور.

ایجاد ارزش افزوده؛ ارزش افزوده به‌عنوان عامل اصلی رونق و شکوفایی اقتصادی کشوری. تزریق این ارزش افزوده دررگ‌های اقتصادی سبب افزایش رونق اقتصادی خواهد شد.

کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی در مصارف جاری کشور و زمینه‌سازی سرمایه‌گذاری درآمدهای نفتی برای طرح‌های عمرانی و سرمایه‌گذاری‌های کلان.

کاهش قیمت تمام شده محصولات به‌واسطه تولید انبوه و نوسازی و بازسازی خطوط تولید و به‌روز شدن آنها.

کاهش نقش تصدی‌گری دولت بواسطه فعال شدن بخش‌های خصوصی و تعاونی و در نتیجه شکل‌گیری ساختارهای نظارتی دولت به‌عنوان وظیفه اصلی حوزه حاکمیت.

کاهش تورم به واسطه افزایش تولید و ایجاد تعادل در عرضه و تقاضا و همچنین کاهش تورم ناشی از کمبود عرضه به‌واسطه افزایش تولید بواسطه کاهش مشکلات مربوط به حمل‌ونقل و گمرک ناشی از واردات کالا.

امکان حضور واقعی در مناطق آزاد تجاری جهان به‌واسطه افزایش تولیدات داخلی و بالارفتن قدرت رقابت جهانی و تقویت صنایع دستی و بسترسازی جذب گردشگر خارجی.

بومی‌شدن علوم و تکنولوژی‌های مختلف در حوزه تولید از طریق آزمون و مهندسی معکوس و در نتیجه امکان تبدیل شدن دانش به ثروت و تجاری شدن علوم مختلف و نیز صادرات دانش بومی و توانمندی‌های تکنولوژیکی به سایر کشورها.

تقویت باورهای اسلامی- ایرانی و ملی و کاهش وابستگی‌های فرهنگی و اجتماعی به بیگانه و احساس همزادپنداری به‌واسطه مصرف کالاهای ایرانی در بین مردم.

مقابله با کسری تجاری کشور در مناسبات تجاری با سایر کشورها؛ با دستیابی به مازاد تجاری در مبادلات تجاری با سایر کشورها، قدرت کشور تثبیت می‌شود. با این سیاست دولت می‌تواند با ایجاد محدودیت‌هایی بر سر راه واردات کالاها و خدمات سایر کشورها مردم را از خرید کالاهای وارداتی باز داشته و با کاهش خروج ارز به خارج، منابع مالی لازم برای سایر فعالیت‌ها را فراهم کند.

محصولات تولید شده به دست مردم مسلمان کشور و بنابراین اطمینان به رعایت الزامات اعتقادی در فرآیندهای تولید که فقدان آنها می‌تواند اثرات وضعی نامطلوب بر مصرف‌کننده برجا گذارد.

کاهش آثار تحریم‌های جهانی در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، روحی و روانی جامعه.

افزایش قدرت وام‌دهی به سایر کشورها بواسطه افزایش توان پولی.

دفع فرهنگ بیگانه و تأثیرگذاری بر فرهنگ بیگانه از طریق انتقال تکنولوژی و صادرات به کشورهای دیگر.

ارائه الگویی عینی و عملیاتی برای سایر کشورهای مسلمان جهان از طریق دستیابی به اهداف مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بواسطه حمایت و مصرف تولیدات داخلی.

پیامدهای مصرف بی‌رویه کالاهای خارجی

آیت‌الله خامنه‌ای مصرف کالای خارجی را نشانه «فرهنگ غلط» و «یک بیماری» می‌دانند. این فرهنگ غلط می‌تواند خسارت‌های جبران‌ناپذیری براقتصاد کشور وارد کند و به تبع آن عرصه‌های مختلف سیاسی، امنیتی و فرهنگی را در سطح کلان تحت تأثیر قرار دهد.

برخی نتایج زیانبار مصرف کالای خارجی از نگاه رهبری:

مانع پیشرفت کشور

از آسیبهای مصرف کالای خارجی می‌توان به کاهش تولید ثروت ملی و ممانعت از شکوفایی استعدادها و ظرفیت‌های ایرانی و در نتیجه کاهش و یا رکود روند پیشرفت کشور اشاره کرد.

«این فرهنگ غلطی است ـ که متأسفانه در بخشهایی از ما حاکم است ـ که مصنوعات خارجی را مصرف کنیم؛ این به ضرر دنیای ماست، به ضرر پیشرفت ماست، به ضرر آینده ماست. همه مسئولیت دارند؛ دولت هم مسئولیت دارد، باید از تولید ملی حمایت کند، تولید ملی را تقویت کند».

خسارت و بیکاری کارگر ایرانی

«یک عده‌ای خوش‌شان می‌آید که بگویند فلان نشان خارجی روی لباس‌شان هست یا روی وسیله خوراکی‌شان هست؛ این یک بیماری است؛ این بیماری را باید علاج کرد. این کار، توجه نکردن به این است که ما در این مملکت داریم زندگی می‌کنیم و از نعمت‌های الهی بر این کشور داریم برخوردار می‌شویم. آن وقت پولی را که در این کشور به دست می‌آوریم، می‌ریزیم توی جیب یک کارگر خارجی».

«ما به قیمت به کار واداشتنِ یک کارگر بیگانه که تولید او را مصرف می‌کنیم، یک کارگر داخل کشور را بیکار می‌کنیم. همه مسئولین کشور، سیاست‌گذاران کشور، مسئولان تبلیغات کشور، خودِ کارآفرینان، خودِ کارگران، دولت، بخش‌های مربوطه به این نکته باید اهمیت بدهند».

ورشکستگی کارخانه‌های داخلی

«یک جنسی... نوع داخلی‌اش هست، نوع خارجی‌اش هم هست؛ یک مقداری به‌خاطر تبلیغات خارجی، یک مقدار به‌خاطر پُزدادن به اینکه این جنس خارجی است... شما آن را انتخاب می‌کنید... نتیجه، ورشکستگی کارخانه داخلی، بیکاری کارگر داخلی و در نهایت باعث ناامیدی سرمایه‌گذار داخلی می‌شود. بیکاری هم که به‌دنبال خودش اعتیاد، فساد و اختلافات خانوادگی می‌آورد و به‌دنبال آن، حوادث سیاسی و اجتماعی فراوان به‌وجود می‌آید».

«خب معلوم است وقتی که جنس خارجی وارد شد... تولید داخلی می‌خوابد. وقتی تولید داخلی خوابید، ...جوان ما بیکار می‌شود، اشتغال ما کم می‌شود، رکود بر کشور حاکم می‌شود، وضع زندگی و معیشت مردم دشوار میشود».

تقویت سرمایه و سرمایه‌دار خارجی

یکی از آثار زیانبار مصرف کالای خارجی تقویت سرمایه‌های خارجی و تضعیف نیروی داخلی است: «شما مصنوعات خارجی را که مصرف می‌کنید، در واقع کمک می‌کنید به اینکه حجم آن بنگاه خارجی، آن کارگر خارجی، آن سرمایه‌دار خارجی، مدام بیشتر بشود و تولید داخلی ضربه بخورد، شکست بخورد».

از دیگر آثار منفی مصرف کالای خارجی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

خروج ارز از کشور

محدود شدن تولید مؤسسات صنعتی داخلی و افزایش هزینه‌های آنها و در نتیجه افزایش قیمت محصولات داخلی؛

کاهش سرمایه‌گذاری در زمینه تولید و افزایش گرایش به واردات؛

از بین رفتن اعتماد به نفس و انگیزه تولیدکنندگان داخلی برای تلاش در راه بهبود کیفیت و نوآوری و کاهش توان رقابتی آنها؛

کاهش تولید داخلی باعث کاهش تولید ناخالص ملی و داخلی به‌عنوان یکی از عوامل رشد اقتصادی.

موارد فوق نشان می‌دهد برای حمایت از تولید داخلی و کاهش مصرف کالای خارجی هرکس باید به وظیفه خویش در قبال آن عمل نماید؛ مسئولان، تولیدکننده و مصرف‌کننده. نکته پایانی اینکه حمایت از کالای ایرانی دارای مولفه‌ها و الزاماتی است که باید با چاشنی غیرت ایرانی به آنها ملتزم شد.

مهدی جبرائیلی تبریزی

سه راه حل برای برون رفت از مشکلات صنعت خودرو

با وجودی که، بیش از نیم قرن از زمان تاسیس و راه‌اندازی صنعت خودروسازی کشور گذشته است، همچنان مدیران و مسئولان دست‌اندرکار در این صنعت، نتوانسته‌اند به نیازهای جامعه، به نحو مطلوب پاسخ بدهند و رضایت مشتریان را از نظر قیمت و کیفیت جلب نمایند.

اگرچه، در سال ۱۳۹۹ حدود ۹۰۴ هزار دستگاه خودرو در کشور تولید (عرضه) شده است. اما، نیاز سالانه کشور بدون جایگزینی خودروهای فرسوده، در حدود ۱/۲ میلیون دستگاه خودرو می‌باشد. به این‌ترتیب، کمبود تولید(عرضه) خودرو، سبب می‌شود تا از یک سو، قیمت بازار خودرو افزایش یابد و از سوی دیگر، در روند خارج ساختن خودروهای فرسوده از چرخه حمل‌ونقل کشور تاخیر به‌وجود آید، به‌طوری که، در پایان سال ۱۳۹۸ حدود ۳ میلیون دستگاه خودروی فرسوده در کشور موجود بوده و سالانه نیز حدود ۳۶۰ هزار دستگاه خودرو به خودروهای فرسوده در کشور افزوده می‌شود، بدیهی است، عدم جایگزینی خودروهای نو به جای خودروهای فرسوده، موجب افزایش میزان مصرف سوخت، آلایندگی هوا و افزایش ریسک تصادفات و خسارات می‌شود.

در سال‌های اخیر، صنعت خودرو از یک طرف، با کمبود تولید، افزایش سرسام‌آور قیمت و کاهش کیفیت و از طرف دیگر، با زیان انباشته سنگین برخی از شرکت‌های خودروساز مواجه بوده است که برای خروج از ماده ۱۴۱ قانون تجارت از مکانیزم تجدید ارزیابی دارایی‌ها استفاده نموده‌اند. از آنجایی که، خروج از ماده ۱۴۱ قانون تجارت و اصلاح ساختار مالی، در اثر بهبود کیفیت تصمیمات و اجراء، بهره‌وری عوامل تولید و بهینه‌سازی در مصرف مواد و انرژی، تامین مواد مستقیم با قیمت مناسب و صرفه‌جویی در هزینه‌ها نبوده، بلکه ناشی از تجدید ارزیابی دارایی‌ها بوده به همین دلیل، جریان زیان‌دهی این‌گونه شرکت‌ها، متوقف نشده و همچنان ادامه دارد.

گروهی از توجیه‌کنندگان، زیان خودروسازان را ناشی از تحریم اقتصادی می‌دانند، حال آنکه میزان وابستگی به قطعات خارجی برای تولید خودروهای پرشمار در حدود ۲۰٪ می‌باشد. برخی، زیان خودروسازان را ناشی از افت تولید می‌دانند، درحالی که برخی از شرکت‌های خودرو ساز، با زیان عملیاتی مواجه‌اند و به ازای هر واحد افزایش تولید، زیان عملیاتی نیز افزایش می‌یابد. دسته دیگر از تحلیل گران، کاهش تولید خودروسازان را ناشی از قیمت‌گذاری تکلیفی و اجرای مکانیزم قیمت‌گذاری ۵٪ کمتر از قیمت بازار و یا قیمت‌گذاری در قالب فرمول محاسباتی می‌دانند، حال آنکه، قیمت خودروهای مشابه در بازارهای جهانی، بسیار نازل‌تر بوده و قیمت‌گذاری تکلیفی و دستوری نه تنها، موجب کاهش قیمت بازار نشده، بلکه، موجب شکل‌گیری حباب قیمت بازار خودرو شده است.

میانگین قیمت بازار خودرو پرشمار در صنایع خودروسازی، در بازه زمانی ده ساله، سال ۱۳۹۹ به سال ۱۳۹۰ معادل یازده برابر یا به عبارت دیگر، حدود هزار درصد افزایش یافته است.

طبق صورت‌های مالی شرکت‌های بزرگ خودرو ساز در کشور، بطور میانگین حدود ۷۵٪ کل هزینه‌های صنعت خودروسازی، مربوط به بهای تمام شده (مواد مستقیم، دستمزد مستقیم و سربار) می‌باشد و از این مقدار حدود ۷۰٪ کل هزینه‌ها، فقط مربوط به مواد مستقیم بوده و سهم هزینه‌های حقوق و دستمزد اعم از تولیدی، اداری، عمومی و توزیع و فروش حدود ۸٪ و سهم سایر هزینه‌ها، مانند: سربار تولید، هزینه‌های اداری، عمومی، توزیع و فروش حدود ۱۰٪ و سهم هزینه‌های مالی حدود ۱۲٪ کل هزینه‌ها را دربر می‌گیرد، بنابراین، دلیل اصلی زیان شرکت‌های خودروساز، پرداخت هزینه‌های حقوق و دستمزد و حتی سربار تولید نیست، بلکه زیان آنها را باید در خرید مواد مستقیم و هزینه‌های مالی، جست‌وجو نمود که سبب می‌شود به ازای هر واحد تولید و فروش، بر زیان خالص خودروساز افزوده می‌شود.

سه مشکل اساسی صنعت خودرو

صنعت خودرو با سه مشکل اساسی یا سه عامل تضعیف‌کننده روبه‌رو است:

مشکل اول؛ عدم نظارت و کنترل لازم و کافی بر هزینه‌ها می‌باشد. چنانچه، قیمت تمام شده محصول فروش رفته، شرکت خودرو ساز، بیشتر از درآمد عملیاتی آن باشد، در این صورت، شرکت با زیان عملیاتی و سپس زیان خالص مواجه می‌شود و نتیجه آن، کاهش در دارایی‌ها و یا افزایش در بدهی‌ها و تحمیل هزینه مالی سنگین به صاحبان سهام را در پی خواهد داشت.

از جمله نمونه‌های انحراف در هزینه‌های شرکت، می‌توان به خرید مواد مستقیم احتمالی خارج از قوانین و مقررات، وجود ضایعات خارج از استاندارد، قرارداد تامین قطعات در فضای غیرشفاف، انحصاری بودن تامین‌کنندگان قطعات خودرو، قراردادهای غیرکارشناسی احتمالی، عدم پرداخت به موقع مطالبات قطعه‌سازان، اشاره نمود، که در حالت خوش‌بینانه، این شیوه اعمال مدیریت، ممکن است ناشی از ضعف مدیریت و ناآگاهی مدیر نسبت به قوانین و مقررات تلقی شود.

مشکل دوم؛ نامناسب بودن فضای کسب و کار می‌باشد. مکانیزم ساختار سازمانی صنعت خودرو در کشور، به‌صورت انحصاری و غیررقابتی و حمایتی می‌باشد و به همین دلیل، با وجود قدمت بیش از نیم قرن، صنعت خودرو، نتوانست به رشد تولید واقعی خود برسد و با کاهش تولید نسبت به برنامه و کیفیت نامطلوب مواجه می‌باشد و چنانچه، در برخی از سال‌ها، رشد نسبی داشته اما این رشد در راستای استقلال اقتصادی، خودکفایی و خوداتکایی نبوده، بلکه ناشی از افزایش واردات و تامین قطعات و محصول نیمه ساخته وارداتی بوده است. از سویی درحالی که، ظرفیت تولید واقعی کشور به میزان ۱/۶ میلیون دستگاه خودرو است ولی فضای نامناسب کسب‌وکار سبب شده است تا تولید کمتر از حد واقعی باشد و برخی قطعه‌سازان، به‌دلیل عواملی مانند شیوه نادرست تخصیص و توزیع مواد اولیه و ورق‌های فولادی و عدم دریافت به‌موقع مطالبات با مشکلات جدی مواجه شوند.

مشکل سوم؛ نامطلوب بودن کیفیت تولید و خدمات پس از فروش است. در طی سال‌های گذشته، بخشی از نقصان و خرابی‌های خودرو و تصادفات، به گردن جاده، بخشی نیز به گردن راننده (مردم) گذاشته می‌شود، اما کمتر، نقص کیفیت تولید و ایمنی خودرو را خودروسازان تقبل می‌کنند و به ندرت، بابت اصلاح یا رفع نقص فنی خودرو، دست به فراخوان می‌زنند. ارائه خدمات سریع و با کیفیت به مشتری، تحویل قطعات با کیفیت، تحویل خودرو مطابق با سلیقه مشتری، شناسایی به موقع نقاط ضعف خودرو و اقدامات اصلاحی آن، از جمله موارد جلب رضایت مشتری می‌باشد.

غیررقابتی نمودن تولیدکنندگان قطعه ساز و محدود ساختن آنها در میزان تولید، موجب شده است تا ارتباط منطقی بین قیمت، کیفیت و ارزش خودرو، کمرنگ شود. در سال‌های اخیر، گزارش بازرسی کیفیت و استاندارد ایران، حکایت از آن دارد که بخش اعظم خودروهای تولیدات داخلی، نتوانسته‌اند در ارزیابی کیفی رتبه ۵ ستاره را دریافت نمایند.

سه راه‌حل صنعت خودرو

به منظور حمایت از تولید، کنترل هزینه‌ها، قیمت‌گذاری منطقی و تقویت بنیه مالی صنعت خودرو و افزایش رضایت مشتری، سه راه‌حل یا سه عامل تقویت‌کننده برای صنعت خودرو پیشنهاد می‌شود:

راه‌حل اول؛ انتخاب درست و دقیق‌تر مدیران و مسئولان دست‌اندرکار است. برای مقابله با گرانی خودرو، رشد تولید، ارتقای کیفیت و ایمنی خودرو و خودکفایی، نیاز به انتخاب درست و دقیق‌تر مدیران و مسئولان دست‌اندرکار می‌باشد تا بتوانند تصمیمات درست و منطقی اتخاذ نمایند. موضوع اهلیت و صلاحیت مدیران، آن‌قدر با اهمیت است که در بیش از ۲۰ آیه از آیات نورانی قرآن کریم، به داشتن ویژگی‌هایی مانند تخصص، تعهد، لیاقت، شایستگی، عدالت، امانت داری و مسئولیت‌پذیری مدیر به صورت ایجابی تأکید شده است و حضرت علی(ع) نیز در نهج‌البلاغه می‌فرمایند که «هیچ خطری در جامعه، به اندازه، خطر بر سر کار آمدن افراد فاقد اهلیت یا بی‌صلاحیت نیست». با این فراز در می‌یابیم که، تصمیمات درست و عالمانه مدیران، توسط مدیران کارآمد و شایسته تحقق می‌یابد.

راه‌حل دوم؛ واردات کنترل شده و هدفمند است. یکی از سیاست‌های موثر برای جبران کمبود تولید، درکوتاه‌مدت، واردات کنترل شده و هدفمند برای تامین خودروهای مورد نیاز طبقه متوسط جامعه است. (نه اینکه، خودروهای طبقه مرفه و ثروتمند را برآورده نماید). بنابراین، واردات خودروهای لوکس و گران‌قیمت، نه تنها، نیاز طبقات متوسط و آسیب‌پذیر جامعه را برآورده نمی‌کند، بلکه به اختلافات طبقاتی جامعه دامن می‌زند. چنانچه به منظور جبران کمبود خودرو که جزو نیازهای اساسی مردم می‌باشد، به موقع از سیاست واردات استفاده نشود قیمت خودرو افزایش می‌یابد و سبب می‌شود تا قیمت سایرکالاها نیز افزایش یابد که این به نفع مردم نیست.

راه‌حل سوم؛ نظارت و کنترل عالمانه و موثر می‌باشد، رشد تولید، بهبود کیفیت خودرو و سودآوری شرکت، نیاز به دریافت گزارش‌های شفاف، کافی و نظارت و کنترل موثر بر اساس، اصل ۲۰ - ۸۰ دارد. طبق اصل پارتو، مدیریت می‌بایست، اولویت و تمرکز خود را صرف اموری نماید که حدود ۸۰٪ منابع، انرژی و توان شرکت، صرف آن می‌شود و نقش اصلی در تولید، فروش و سود و زیان شرکت دارد و پس از رسیدگی به امور اصلی و کلیدی، در مرحله ثانویه، تمرکز خود را صرف اموری نماید که از اهمیت کمتری برخوردار است و حدود ۲۰٪ منابع، انرژی و توان شرکت را در بر می‌گیرد. بنابراین، مدیران شرکت، در صورتی می‌توانند به ظرفیت تولید و استانداردهای کیفیت دست یابند و کیفیت سود شرکت را تضمین نمایند که بر مواد مستقیم و هزینه‌های مالی شرکت که حدود ۸۰٪ هزینه کل شرکت را دربر می‌گیرد، نظارت و کنترل موثر داشته باشند. در خاتمه، از مدیران و مسئولان دست‌اندرکار صنعت خودرو، انتظار می‌رود، در جهت تحقق رشد و رونق تولید از نخبگان، طراحان صنعتی و متخصصان ساخت و تولید و قطعه‌سازان، حمایت و پشتیبانی لازم به عمل آید تا خودرو به مقدار کافی و با قیمت و کیفیت مناسب در اختیار اقشار جامعه قرار گیرد.

فرزاد بزرگی

نکات کلیدی قانون جدید چک

اصلاحات قانون چک تا کنون در سه دوره زمانی مختلف اعمال شده است: دوره اول در آذرماه سال ۱۳۹۷دوره دوم در سال ۱۳۹۸دوره سوم در ۲۱ آذر سال ۱۳۹۹.

بر اساس ماده ۵ مکرر قانون جدید، افرادی که چکشان برگشت خورده است تا زمان رفع سوءاثر از چک از خدمات بانکی محروم خواهند ماند. همه بانک‌ها مکلفند این ماده را ظرف ۲۴ ساعت اعمال کنند.

محرومیت‌های تصریح شده از این قرار است:

۱- افرادی که چک‌شان برگشت شده است قادر به افتتاح حساب بانکی جدید نخواهند بود.

۲- تمام وجوه و دارایی این افراد نزد بانک به میزان مبلغ چک به ترتیبی که بانک مرکزی اعلام می‌کند باید مسدود شود.

۳- این افراد نمی‌توانند تسهیلات بگیرند.

۴- ضمانتنامه و خدمات ارزی نیز نمی‌توانند دریافت کنند.

محرومیت‌های ماده ۵ مکرر نیز شامل صاحب حساب و افرادی که به وکالت یا نمایندگی از صادرکننده، چک را صادر می‌کنند، می‌شود. (مطابق ماده ۱۹ قانون صدور چک تصریح شده است که صاحب حساب و صادرکننده چک متضامنا مسئول پرداخت وجه چک هستند.) همچنین خروج مدیران از تصدی شرکت؛ تأثیری در رفع محرومیت‌های آنان در قانون ندارد و نام آنها در سامانه یکپارچه بانک مرکزی یا همان بلاک لیست؛ کماکان باقی خواهد ماند و محرومیت‌های پیش‌بینی شده نیز سنگین خواهد بود.

بر اساس قانون جدید همه چکها یک کد رهگیری دارند که ذی‌نفعان و دارنده چک نتوانند این کد را دریافت کنند به گواهینامه عدم پرداخت در مراجع حقوقی و قضایی ترتیب اثری داده نخواهد شد.

نکته دیگر این است که اگر کل مبلغ چک در حساب وجود نداشته باشد؛ می‌توانید به جای دریافت گواهی‌نامه عدم پرداخت؛ گواهی کسر موجودی یا گواهی بخشی از مبلغ چک را بگیرید. با تحویل لاشه چک به بانک برگه‌هایی دریافت می‌کنید که جایگزین لاشه چک می‌شود و معرف باقیمانده مبلغ چک است و با استفاده از آنکه باید کد رهگیری داشته باشد؛ می‌توانید اجرائیه بگیرید و به مراجع قضایی و ثبتی مراجعه کنید. این گواهی که به‌طور کلی جایگزین لاشه چک خواهد شد نیز از ابداعات قانون جدید صدور چک است.

به استناد شرطی که در دستورالعمل افتتاح حساب جاری آمده است؛ بانک‌ها مکلفند به محض عدم موجودی برای صادرکننده چک به ترتیب از حساب قرض‌الحسنه عادی، حساب قرض‌الحسنه جاری، حساب کوتاه‌مدت یا بلندمدت به‌عنوان حساب‌های پشتیبان، پول را دریافت و چک را وصول کنند.

در ذیل ماده ۵ مکرر این قانون، صدور چک مسئولیت جبران خسارات ناشی از عدم فعل اقدام قانونی بانک به افراد ثالث را متوجه بانک دانسته و تأکید کرده که این مسئولیت با توجه به محتوای ماده مبتنی بر مسئولیت محض یعنی بدون نیاز به اثبات قصور و تقصیر بانک خواهد بود.

تنها استثنایی که مقنن در نظر گرفته است اینکه شورای تأمین استان بر اساس تبصره یک ذیل ماده ۵ مکرر باید تشخیص دهد که محرومیت یک بنگاه اقتصادی از امور خدمات بانکی باعث اختلال در امنیت اقتصادی آن استان می‌شود. شورای تأمین می‌تواند محرومیت‌های سه‌گانه غیر از مسدودی حساب را به مدت یک سال معلق کند. البته اعطای دسته چک یا محرومیت از دسته چک جزء ماده ۵ مکرر نیست که افراد برای رفع آن به سراغ شورای تأمین استان یا ستاد رفع موانع تولید بروند. در شرایط کنونی به‌دلیل شیوع بیماری کرونا مصوبه‌ای از سوی رئیس‌جمهوری اعلام شد که این محرومیت‌ها ۳ ماه معلق شود.

برای نخستین بار است که قانونگذار، محرومیت دارندگان چک برگشتی از دریافت دسته چک جدید را در متن قانون تصریح کرده است. همچنین سه دسته از افراد و وکلای‌شان از دریافت دسته چک، صدور چک و چک موردی محروم شده‌اند:

۱- افراد ورشکسته.

۲- افراد معسر از پرداخت محکوم‌به.

۳- افرادی که چک برگشتی دارند و از چک برگشتی آنها رفع سوءاثر نشده است.

از موارد مهم دیگر که به‌عنوان مزیت بدان توجه نمود؛ این است که آخرین وضعیت صادرکننده چک را رؤیت کنید:

۱- صاحب حساب در ۳ سال اخیر چه تعهداتی داشته.

۲- چه میزان از چک‌های او برگشت خورده.

۳- وضع او در کدام طبقه اعتباری قرار دارد.

بر اساس قانون جدید صدور چک:

زمان دریافت دسته چک تا تاریخ سررسید چک‌ها نباید بیش از ۳ سال باشد. در صورتی که بیش از ۳ سال باشد تابع قانون چک نخواهد شد. نکته دیگر اینکه از صادرکننده چک اعتبارسنجی می‌شود که با توجه به شغل فرد و گردش حساب مالی او برایش اعتبار در نظر گرفته می‌شود. در صورتی که فرد مبلغ اعتبار را در طی ۲ فقره چک اول خرج کند؛ سیستم اجازه صدور چک سوم و چهارم را به او نمی‌دهد تا زمانی که چک‌های قبلی او پاس شود.

نکته مهم دیگر که باید مورد توجه قرار داد این است که صادرکننده چک باید علاوه بر نوشتن موارد لازم بر روی چک؛ وارد سامانه بانک مرکزی شود و چک را ثبت کند و مواردی از قبیل داشتن اعتبار برای صدور چک؛ سر رسید و مشخصات طرف مقابل مانند کد ملی فرد باید به تأیید سیستم برسد.

در صورت مفقودی چک؛ اگر فردی غیراز صاحب چک؛ با پیدا کردن لاشه چک؛ نمی‌تواند آن را در بانک نقد کند و بانک ترتیب اثر نخواهد داد.

در صورتی که دارنده چک آن را با ظهرنویسی به فرد سومی منتقل کند این انتقال نیز باید در سیستم بانک مرکزی ثبت شود. در غیر این صورت فرد سوم به‌عنوان آخرین دارنده چک شناخته نمی‌شود و چک نقد نخواهد شد و برگ چک در دست نفر سوم یک سند حواله مدنی است که فرد با استفاده از آن می‌تواند در دادگاه اقامه دعوا کرده و دادخواست مطالبه وجه بدهد و ارزش سند تجاری و مزایای چک را نخواهد داشت. در واقع صدور چک در وجه حامل ممنوع خواهد بود.

در مورد مکانیزم جدید صدور اجرائیه نیز بر اساس ماده ۲۳ قانون جدید صدور چک دارنده چک می‌تواند با ارائه گواهینامه عدم پرداخت از دادگاه صالح؛ صدور اجرائیه نسبت به کسری مبلغ چک و حق‌الوکاله وکیل طبق تعرفه قانونی را درخواست نماید.

دادگاه در صورت وجود شرایط ذیل حسب مورد علیه صاحب حساب؛ صادرکننده یا هر دو اجرائیه صادر می‌کند.

۱- وصول وجه در متن چک منوط به تحقق شرطی نشده باشد.

۲- در متن چک قید نشده باشد که چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است.

۳- گواهینامه عدم پرداخت به دلیل دستور عدم پرداخت طبق ماده ۱۴ این قانون و تبصره آن صادر نشده باشد.

در صورت کلاهبرداری؛ مفقودی؛ سرقت یا خیانت در امانت و جرایم دیگر صادرکننده چک یا ذی‌نفع یا قائم‌مقام قانونی آنها با تصریح به موارد ذکر شده می‌توانند کتبا دستور عدم پرداخت وجه را به بانک ارائه دهد. بانک پس از احراز هویت دستور دهنده؛ از پرداخت وجه خودداری خواهد کرد. در صورت ارائه چک بانک گواهی عدم پرداخت را با ذکر دلیل اعلام شده صادر و تسلیم می‌کند.

همچنین دارنده چک می‌تواند علیه کسی که دستور عدم پرداخت داده شکایت کند و در صورت اثبات خلاف ادعایی که موجب عدم پرداخت شده؛ دستوردهنده علاوه بر مجازات مقرر در ماده ۷ این قانون به پرداخت کلیه خسارات وارده به دارنده چک محکوم خواهد شد.

شیدا آریایی‌پور